

به نام آفریننده مهر و هستی

هنگامی که او از دست رفت

نویسنده: لیزا جوئل

ترجمه: عزیزه اکبری سامانی

www.ketab.ir



۱۴۰۱

انتشارات جاماسب

Names: Jewell, Lisa, author.

Title: Then she was gone: a novel / Lisa Jewell.

Description: First Atria Books hardcover edition.

New York: Atria Books, 2018.

Identifiers: LCCN 2017032784 (print) | LCCN 2017039921 (ebook)

ISBN: 9781501154669 (eBook)

ISBN: 9781501154645 (hardback)

عنوان کتاب: هنگامی که او از دست رفت.

سرشناسه و نویسنده: لیزا جونل. ۲۰۱۸.

ترجمه: عزیزه سامانی. ۱۳۶۳.

مشخصات ناشر: انتشارات جاماسب. ۱۵۵۴۴. تهران. ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۳۰۳ ص، جدول، نمودار. تک رنگ؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م. رقعی. بزرگسال.

شابک: ۰-۳-۹۸۲۸۸-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت ۱: عنوان اصلی: ۲۰۱۸، Then she was gone : a novel,

یادداشت ۲: کتاب حاضر با عنوان های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سال های

مختلف ترجمه و منتشر شده است

عنوان دیگر: وقتی که او رفت.

عنوان دیگر: و آنگاه او ناپدید شد.

عنوان دیگر: وقتی که رفته بود.

موضوع: داستان های انگلیسی -- قرن ۲۰ م. -- ۲۰th century -- English fiction

شناسه افزوده: اکبری سامانی، عزیزه، ۱۳۶۳، مترجم.

نوبت چاپ: اول

رده بندی کنگره: PZ۳

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۵۳۵۴۴

همه حقوق این اثر محفوظ و مخصوص انتشارات جاماسب می باشد.

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ است.

هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر و مؤلف نشر یا پخش

یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد

تهران - ۶۶۴۱۹۱۹۵ - ۰۹۱۹۷۰۶۶۴۵۹

عنوان: هنگامی که او از دست رفت.

ناشر: جاماسب.

نویسنده: لیزا جونل.

ترجمه: عزیزه اکبری سامانی.

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

طراح گرافیکی و صفحه آرایی: انتشارات جاماسب.

چاپ و صحافی: صدف.

شمارگان: ۲۰ جلد.

قیمت: ۱۷۹,۰۰۰ تومان.

www.ketab.ir

www.ketab.ir

فهرست:

۶	سرآغاز
۹	قسمت اول
۴۴	قسمت دوم
۱۵۳	قسمت سوم
۲۰۱	قسمت چهارم
۲۷۷	قسمت پنجم

سر آغاز



آن ماه‌ها، ماه‌های پیش از ناپدیدشدنش، بهترین ماه‌های زندگیش بودند. حقیقتاً بهترین. هر لحظه خودش را مثل یک هدیه به او پیشکش می‌کرد و می‌گفت، من اینجا هستم، یک لحظه بی‌نظیر دیگر، فقط به من نگاه کن، می‌توانی تصور کنی که من چقدر دلفریبم؟ هر صبح برایش غوغایی از سبک‌بالی بود، تندشدن ضربان قلبش زمانی که به مدرسه نزدیک می‌شد، شکفتن شادی وقتی چشمانش او را پیدا می‌کرد. مدرسه دیگر برایش زندان نبود بلکه یک فیلم جذاب و پرتکاپو از داستان عشقش بود.

الی مک نمی‌توانست تصور کند که تئوگودمن خواسته بود با او دوست شود. البته از نظر او تئوگودمن خوش‌قیافه‌ترین پسر سال یازدهمی و همین‌طور در سال‌های دهم، نهم و هشتم بود. اما در سال هفتم هیچ‌کدام از پسرهای مدرسه چهره‌ای در این حد دلنشین نداشتند 😊. آنها همه بچه‌های ریزچشم و ورقلمبیده‌ای بودند که کفش‌های گنده و ژاکت‌های ورزشی خیلی بزرگ می‌پوشیدند.

تئوگودمن هرگز دوست دختری نداشت و همه فکر می‌کردند که ممکن است همجنس‌باز باشد. او به‌عنوان یک پسر یک جورهایی زیادی خوشگل و البته بسیار لاغر و واقعا خیلی متین و دوست‌داشتنی بود. الی سال‌ها درمورد دوستی‌اش با او رویاپردازی کرده بود، حالا می‌خواست همجنس‌باز باشد یا نه. او صرفاً از این که با او دوست باشد خوشحال می‌شد. مادر جوان و زیبای تئو هر روز با او تا مدرسه پیاده می‌آمد. لباس ورزشی می‌پوشید و موهایش را دم‌اسبی می‌کرد و اغلب یک سگ سفید کوچک همراهش بود که تئو قبل از آنکه او را روی پیاده‌رو بگذارد، بلندش می‌کرد و گونه‌اش را می‌بوسید. بعد هم مادرش را می‌بوسید و سالانه‌سالانه وارد مدرسه می‌شد. برایش مهم نبود کسی او را ببیند. از سگ پشمالو یا مادرش خجالت نمی‌کشید. او براستی اعتمادبه‌نفس بالایی داشت.